

خبر

برگزاری همایش ایران و استعمار بریتانیا در دوره قاجار

● شرق: در صدمین سالگرد قرارداد ۱۹۱۹ میان ایران و بریتانیا، همایش «ایران و استعمار بریتانیا در دوره قاجار» از سوی پژوهشکده اسناد مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قاجار برگزار می‌شود. این همایش در چهار پِنل از ساعت ۹ صبح تا ۱۸ بعدازظهر روز دوشنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۸ در ساختمان آرشبو ملی ایران، واقع در بزرگراه حقانی (شرق به غرب)، نبش خیابان کوشا، روبه‌روی ورزشگاه شهید کشوری برگزار خواهد شد. بهنام زرين لکسی، کیانوش معتقدي، صفورا برومند، محسن یگانه، جمشید کیان‌فر، محمدعلی بهمنی، هادی میرشاهی، مصطفی نوری‌سوادکوهی، آسیه‌الاحمد، فاطمه معزی، آرتنا لقایی، غلامحسین نظامی، محمود سادات، شاهین زینعلی، علی‌الله جانی و مجید تفرشی در این همایش سخنرانی خواهند کرد.

ادامه از صفحه اول

«اداره توده‌ای» و نتایج آن

هرچند با اتخاذ چنین تدبیری زندگی اقتصادی صاحب نظم و نسق می‌شود و از «اداره توده‌ای» کسب‌وکارها فاصله می‌گیریم اما همچنان مشکلات دیگری وجود دارد. این تدبیر هنوز نارساست، چراکه حکومت نمی‌تواند برای اخذ مالیات و اِعمال استانداردها و ضوابط بهداشتی... و... با انبوهی از «دکانداران» خرده‌پا درگیر شود. اساسا دولت نیروی انسانی کافی ندارد که چنین کند. یکی از راه‌ها برای ساماندهی بازارها آن است که به فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای میدان دهند تا نظام سیاسی صرفا با چند فعال عمده سروکار داشته باشد و مابرسای و حساب‌کشی را بر شمار محدودتری از بازیگران اعمال کند و نظارت بر جزئیات را به آنها بسپارد؛ بنابراین از «اداره توده‌ای» به اداره شماری از بازیگران کلان می‌پردازد؛ به‌همین‌دلیل است که انبوه‌سازان هم مورد علاقه اداره‌کنندگان بخش مسکن هستند. زندگی سیاسی نیز تا مسامحی در تمثیل، چنین است. اگر نظام سیاسی، اداره امور سیاسی را به شماری از احزاب و گروه‌های سیاسی بسپارد، تا حدودی گریبان خود را از شورش‌های عمومی و حضور خیابانی مهارنشده و کنترل‌نشدنِی رها می‌کند. آنگاه که چنین احزایی وجود نداشته باشند، مردم مانند شب عبید برای مطالبه کالای قدرت به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند، بازار سیاه هرج‌ومرج رونق می‌گیرد و اتفاقات ناخوشایندی پدید می‌آید. اگر مطالبات عمومی مردم به خشونت کشیده می‌شود، یکی از دلایل آن همین فقدان معماری مبارزه قدرت توسط نظام سیاسی است و اگر هم گروه‌ها با قدرت‌های بیگانه از این فرصت استفاده می‌کنند و کام مردم را تلخ می‌کنند، باز هم نظام سیاسی مقصر است، چراکه این زمینه را پدید نیاورد؛ است که مردم کالای قدرت و سهم‌خواهی خود از سفره منابع ملی را از طریق بازارهای ساماندهی‌شده سیاست طلب کنند. مشکل اساسی در «اداره توده‌ای» جامعه است. دیرزمانی است که گروهی به نام خانه کارگر جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند، همه فعالان سیاسی می‌دانند که این گروه منافع شماری از کارگران را نمایندگی می‌کند و هرگاه که کارگران خواسته‌ای دارند، با تصمیم این گروه در مقابل مجلس یا سازمان برنامه و دیگر دستگاه‌های حکومتی حاضر می‌شوند و مطالبه‌گری می‌کنند. پرسش از سیاست‌گذاران امور داخلی این است که چرا این معماری را به سراسر جامعه تسری نکرده‌اند؟ آیا چند حزب و گروه که مطالبات طبقات فرودست را نمایندگی کنند برای این کشور ضروری نیست؟ تا چه زمانی قرار است اداره امور سیاسی به‌صورت توده‌ای انجام شود و سامان سیاسی دستخوش بی‌سروسامانی شود؟ به‌تازگی در هیئت وزیران، درباره اختصاص امکانی برای تجمعات مردمی، مثنی تصویب شد که با ایراد شورای نگهبان مواجه شد. استدلال ششورا این بود که تحدید اختیار مردم است. قارغ از اینکه این استدلال درست باشد، سخن من این است که اساسا نیازی به این مصوبه نبود. وزارت کشور خود می‌توانست براساس اختیارات قانونی خویش و با تدابیر مدیریتی زمینه‌ای فراهم کند که تجمعات به‌صورت طبیعی در امکانی خاص برگزار شود؛ ازاین‌رو دیگر نیازی به رفت و برگشت ایس مصوبه به شورای نگهبان نبود. البته راه‌حل اساسی‌تر این است که اقشار گوناگون امکان آن را داشته باشند که خواسته‌هایشان را در قالب گروه‌های سیاسی قدرت بیان کنند. در غیر این صورت مصوبه مکان‌یابی تجمعات مردمی یک اقدام حاشیه‌ای است. همچنان‌که در ابتدای این نوشتار گفته شد

اقشار گوناگون قهر و خودکاه‌ا یا ناخودگاه در مبارزه قدرت حضور دارند و هر جامعه‌ای به معماری این مبارزات نیاز دارد. حقوق اساسی و قانون اساسی در واقع به شکلی بنیادی این معماری را به‌صورت کلاسیک انجام داده است و تقریبا همه کشورها نیز پذیرفته‌اند که قدرت عمومی را به سه بخش قضائی، تقنینی و اجرایی تقسیم کنند تا قدرت در انحصار کسی یا کسانی درنیاید؛ اما این، منحصر به اِعمال قدرت رسمی است و برای عرصه غیررسمی کافی نیست. حضور احزاب و گروه‌های گوناگون منافع به‌عنوان نماینده اقشار گوناگون سیاسی ضروری است تا جامعه از «بازار سیاه» مبارزه منافع رهایی یابد.

مهرشاد ایمانی: در عصر کنونی مفهوم دموکراسی را نمی‌توان از مقوله انتخابات جدا کرد؛ موضوعی که شساکله اصلی جمهوریت را شکل می‌دهد و نظام سیاسی ایران هم بر مبنای قانون اساسی موجود، آن را پذیرفته است. مردم‌سالاری حق تعیین سرنوشت را به آحاد ملت می‌دهد تا بتوانند در شرایطی عادلانه نمایندگان خود در مسئولیت‌های مختلف را برای اجرای منویات عمومی انتخاب کنند؛ بنابراین عنصر انتخاب از ارکان لاینفک دموکراسی است. شاید پرداختن به این موضوع در شرایط کنونی ایران بیش از پیش لازم است، زیرا در شرایطی که به نظر می‌رسد مصادیق انتخابی در مسئولیت‌های مختلف، اعم از ریاست‌جمهوری و نمایندگی در جوهی عملکرد مناسبی نداشته‌اند برخی تلاش می‌کنند اصل حق انتخاب را نشانه روند؛ اصلی که در کنار اسلامیت و استقلال یکی از پایه‌های نظام سیاسی کشور است. برای پرداختن به موانع تقویت نهاد انتخابی در ایران ساعتی را با غلامحسین کرباسچی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، به گفت‌وگو نستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

■ در ایران چندی است که برای برخی انتقاد به «منتخب» به مثابه انتقاد به «انتخاب» قلمداد می‌شود؛ ازاین‌رو به نظر می‌رسد که نهاد انتخابی در ایران در معرض تضعیف قرار گرفته است. مهم‌ترین دلیل این مهم را چه می‌دانید و برای تقویت نهاد انتخابی چه باید کرد؟

نقد‌ها و نه تخریب‌ها به مصداق انتخاب، باعث تضعیف نهاد انتخابی نمی‌شود و اگر رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس یا نمایندگان شورا در معرض انتقاد قرار می‌گیرند به دلیل تحقق‌نیافتن وعده‌هایشان است؛ به بیان دیگر بخشی از این تضعیف به منتخبان بازمی‌گردد. مردم بر اساس وعده‌های نامزدها در انتخابات شرکت می‌کنند، به آنها رأی می‌دهند و اگر وعده‌ها تحقق نیابند، به منتخب خود انتقاد می‌کنند و این امری طبیعی است. در اسلا هم با موضوع بیعت مواجهم. بیعت در شرایطی مطرح می‌شود که تعهدی در کار باشد؛ یعنی بیعت می‌کنیم تا سنت پیامبر(ص) اجرا شود یا بیعت می‌کنیم تا به قرآن عمل شود. در انتخابات هم همین‌گونه است. وقتی یک نامزد انتخابات به مردم می‌گوید که این کارها را انجام می‌دهم و انجام ندهد، دیگر انتخابات فایده‌ای ندارد. در حقیقت در بخشی از عارضه‌ای که به آن اشاره کردید منتخبان هم نقش دارند. حتما پالایاردهایی که متضمن نفی اصل انتخابات است، نهاد انتخابی را تضعیف می‌کند و مذموم است، اما عمده این آسیب به وعده‌های برزمین‌مانده مسئولان بازمی‌گردد. نیروهای سیاسی هم باید با صداقت عمل کنند و هر زمانی که منتخب مردم به وعده‌اش عمل نکرد، بر اساس انصاف نقدش کنند و شک نکنید که این حالت بیش از لاپوشانی نقایص مسئولان در جلب اعتماد مردم به انتخابات تأثیر دارد. ما باید علت و معلول مشکلات را به دقت ارزیابی کنیم و نتیجه خود را در اختیار مردم قرار دهیم تا هم مردم نسبت به شرایطی که در آن قرار دارند آگاه شوند و هم مسئولان نسبت به اجرای وعده‌هایشان اهتمام عمل ورزند.

■ در مسیر تقویت نهاد انتخابی موانع قانونی نیز مشاهده می‌شود. برخی معتقدند که یکی از آن موانع شیوه بررسی صلاحیت‌های

سیاست

غلامحسین کرباسچی در گفت‌وگو با «شرق»:

تضعیف نهاد انتخابی با وعده‌های برزمین‌مانده



نامزدهای انتخابات است با به نظر می‌رسد اجرانشدن تعدادی از اصول قانون اساسی که با حقوق ملت در ارتباط است به این مهم دامن زده. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در قوانین ایران اشکالاتی وجود دارد که باید در طول زمان و با تفاهم همه‌جانبه حل شوند، اما یک‌طرفه نمی‌توان قضاوت کرد؛ برای مثال درعین‌حال که نیمی از اعضای شورای نگهبان به شکل انتصابی تعیین می‌شوند، اما نیمی از آنها؛ یعنی حقوق‌دان‌های شورای نگهبان با رأی مجلس به شورای نگهبان راه می‌یابند. نماینده‌ای که به شش حقوق‌دان شورای نگهبان رأی می‌دهد باید بداند دقیقا چه فردی و برای چه کاری را انتخاب می‌کند. نمایندگان به‌جای آنکه دانش حقوقی فرد نه و وجهه سیاسی‌اش را معیار انتخاب قرار دهند، در پی انگیزه‌های دیگری هستند. گاهی فراموش می‌کنیم که ۵۰ درصد اعضای شورای نگهبان در جایگاه انتخابی قرار دارند و توجه به آن بسیار ضروری است که متأسفانه به این موضوع کمتر پرداخته شده. اگر نمایندگان در تمام مراحل مصلحت و منفعت مردم و نه انگیزه‌های شخصی را دنبال کنند بسیاری از مشکلات رفع می‌شود. البته باز هم تأکید می‌کنم مشکلات قانونی هم وجود دارد که باید با تعامل حل شود.

■ به نقش بالقوه مجلس در تقویت نهاد انتخابی اشاره کردید. اکنون و خاصه بعد از اجرای طرح افزایش قیمت بنزین، جایگاه مجلس بسیار مورد توجه نخبگان سیاسی قرار گرفته است؛ از سوی دیگر در چندسال گذشته هم انتقادهای زیادی نسبت به عملکرد نمایندگان مطرح شده است. چه فرایندی طی شد که چنین استثنای وجود دارد که مجلس آن‌طور که انتظار می‌رفت در رأس امور نیست؟
من امیدوارم مجلس آینده بتواند منشأ اثرات مثبتی باشد. اما برداشتم این است که کارگزاران و مجریان کشور در قوای سه‌گانه و نهادهای دیگر حاکمیتی بعضا انگیزه‌های شخصی را بر منافع عامه ترجیح می‌دهند. متأسفانه مشاهده می‌شود که فردی به مجلس راه می‌یابد که صرفا امیال خود را دنبال می‌کند و اعتای چندانی به مطالبات مردم نمی‌کند؛ بنابراین در زمینه نمایندگی با مقوله عدم رعایت حقوق عامه مواجهم. از سوی دیگر به وعده‌هایی که می‌دهند نیز عمل نمی‌کنند. مردم نمایندگان خود را بر اساس وعده‌های ایشان انتخاب می‌کنند و اگر قرار باشد به آن وعده‌ها عمل نشود، علت انتخاب چیست؟ اگر منتخبان

علیرضا رحیمی، نماینده تهران، در نامه‌ای در باره اعتراض‌های اخیر خواستار شد

کمیته حقیقت‌یاب تشکیل شود

است. دیروز علیرضا رحیمی در نامه‌ای به رئیس

مجلس به همین وضعیت اشاره کرده و از لزوم تشکیل کمیته حقیقت‌یاب نوشته است. البته فضای مجازی نیز هنوز رنگوبوی بنزینی دارد و چالش‌های توییت‌ری نمایندگان مجلس نیز ادامه پیدا کرده است.

کمیته حقیقت‌یاب تشکیل شود

رحیمی، عضو هیئت‌رئیس مجلس، در نامه خود خطاب به علی لاریجانی نوشت: «احتراما با ابراز تأسف عمیق از حوادث دردناک آبان‌ماه در کشور و عرض تسلیت به خانواده‌جان‌باختگان این حوادث و ملت شریف ایران، همچنان که مستحضرد در پی اعتراضات وسیعی که متعاقب تصمیم افزایش قیمت بنزین در کشور رخ داد و موجب کشته‌شدن تعداد کنثیری از هم‌وطنان و مصدوم‌شدن و بازداشت تعدادی گردید، متأسفانه تاکنون آمار دقیقی از جان‌باختگان و مصدومین ارائه نشده است.»
نماینده تهران در بخش دیگری از نامه خود چنین نوشت: «از آنجا که اکثریت آسیب‌دیدگان از مردم معترض و غالبا از طبقات ضعیف جامعه بوده‌اند و

امکان شکایت خانواده‌های کشته‌شدگان

و تأکید منتظری بر ادامه تحقیقات و بازجویی‌ها انتظار می‌رود شکایات

خانواده‌های قربانیان با سرعت بیشتری نسبت به سابق رسیدگی و منج

به نتیجه شود.

دراین‌باره پیمان حاج‌محمودعطار، وکیل دادگستری در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این پرسش که «آیا خانواده‌های قربانیان حوادث اخیر بدون ترس و نگرانی و ناامیدی از به ثمر رسیدن شکایاتشان، می‌توانند به دنبال دادخواهی عزیزانشان باشند؟»، توضیح داد: در راستای تأکیدات ریاست محترم قوه قضائیه دایر بر لزوم شفافیت عملکرد دستگاه‌های نظارتی امنیتی، طباطبائی دادگستری و قوه قضائیه که در قوانین مصوب مجلس نیز در قالب قانون ارتقای شفافیت اداری، قانون آزادی انتشار اطلاعات و... تأکید و تصریح شده است و همچنین قاعده فقهی مورد نظر معصومین علیهم‌السلام دایر بر اینکه حق گرفتنی است و به جهت جلوگیری از تبلیغات مسموم برخی از رسانه‌های معاند در نحوه کشته‌شدن برخی از معترضین یا عابریس و ناظرین درگیری‌ها در روزهای بعد از افزایش نرخ بنزین، شرعا و قانونا خانواده افرادی که در این راهیمیالی‌ها و ظاهرات کشته یا مفقود یا مجروح شده‌اند، تکلیف دارند قوه قضائیه را مامن و پناهگاه خود بدانند. این حقوق‌دان ادامه داد: خانواده‌های کشته‌شدگان درباره عزیزان خود و رخداد‌های احتمالی که بر آنها واقع شده است، به دادرس‌ها و مراجع صلاحیت‌دار قضائی دادخواهی و تظلم‌خواهی کنند.

او افزود: به‌ویژه خانواده‌هایی که سرپرستشان یا فرزندشان در این جویانات کشته شده‌اند، باید برای شفافیت نحوه قتل عزیزانشان با اعتماد و اطمینان داشتن به دادستان‌های مناطق مربوط به حوادث اخیر

همگام با مردم باشند، جایگاه مجلس از وضعیتی که اکنون در آن قرار دارد ارتقا می‌یابد.

■ معیار دیگری که در تقویت یا ضعف نهاد انتخابی به چشم می‌خورد، مقوله تحزب است. تحزب در ایران با موانع متعددی روبه‌روست. از یک‌سو قدری عناصر محدودکننده قانونی کار حزبی را محدود کرده است و از سوی دیگر نوع نگاه حاکم در عرصه سیاسی باعث انزوای احزاب در عملکرد اجرایی شده است و در نهایت خود احزاب هم با مانیفست و برنامه‌های روشنی‌وارد عرصه انتخابات نمی‌شوند. نوع نگاه دیگری نیز حاکم است که اساسا با توجه به عرف سیاسی موجود نیازی به وجود احزاب نیست. با مختصات قانونی و سببایی فعلی در ایران، کارکرد تحزب در ارتقای جایگاه مقوله انتخاب را چگونه می‌بیند؟

واقعیت این است که احزاب در نظام اجرایی ایران نقش مهمی ندارند و وزارت کشور صرفا برای تبلیغات آمار کمی احزاب را ارائه می‌کند و لیست‌کردن اسامی احزاب چنین القا می‌کند که تحزب در کشور جریان دارد. در شرایط کنونی به احزاب بها داده نمی‌شود و عملا کارهای انبیسند و اگر افرادی که در حزبی فعالیت می‌کنند هم مسئولیتی بگیرد، در اجرای مسئولیتش بر اساس تشخیص حزب متبوعش عمل نمی‌کند. دولت حزبی هم نداریم و حتی در مجلس هم افراد بر اساس توانایی‌های شخصی یا آشنایی‌های محلی یا خانوادگی رأی اخذ می‌کنند. در شهرهای بزرگ هم جریان‌های سیاسی و نه لزوما احزاب تعیین‌کننده‌اند. در شرایط فعلی احزاب باید برنامه‌های مشخص خود را ارائه کنند و اگر بر اساس برنامه‌هایشان رأی آوردند، مسئولیت برعهده بگیرند و یگویند که با یک سازوکار مشخص برنامه‌ها را اجرایی می‌کنیم، مردم هم باید پیگیر برنامه‌های حزب مورد حمایت خود باشند. هرچند درحال‌حاضر همان‌طور که اشاره کردم، احزاب خیلی جدی گرفته نمی‌شوند. نکته مهم دیگر این است که مسئولان هم علاقه‌ای ندارند که جایگاه حزبی خود را مشخص کنند و برای مثال هر رئیس‌جمهوری که روی کار می‌آید، به صورت مدام می‌گوید که من وابسته به هیچ حزبی نیستم یا حتی نمایندگان مجلس هم همین سیاست را پی می‌گیرند و احتمالا برای تأییدصلاحیت‌شدن در دوره بعدی مجلس از حزب خود برائت می‌جویند؛ در چنین شرایطی آبرویی برای تحزب در ایران باقی نمی‌ماند. در خود احزاب هم مشکلات کم نیست و کارکرد حزبی به مصاحبه‌ها و بیانیه‌های گاه‌به‌گاه تقلیل یافته است.

■ به‌عنوان بحث پایانی بفرمایید که با توجه به انتقادهایی که به عرصه اجرایی و تقنینی وجود دارد و با توجه به اعتراضات اخیر آیا می‌توان امید به مشارکت بالا در انتخابات مجلس داشت؟

من امیدوارم که مشارکت حداکتری تحقق یابد، زیرا می‌دانیم که هنوز بسیاری از مسائل از طریق انتخابات حل می‌شود. امیدوارم در این دوره افرادی وارد مجلس شوند که توانایی انجام وعده‌هایشان را داشته باشند و با صداقت از مشکلات مردم سخن بگویند. از سوی دیگر با مسائل مختلف با نگاه کلان مواجه شوند و حتی مشکلات خاص منطقه‌ای را با دید کلان به فرجام برسانند.

«ماموستا حیدری»، امام جمعه بانه درگذشت

● شرق: ماموستا «عبدالله حیدری»، از علمای برجسته اهل سنت و امام جمعه بانه درگذشت. عباس موسوی، سخنگوی وزارت خارجه، در تویییتی به زبان کردی، درگذشت او را تسلیت گفت و نوشت: «مروح ماموستا حیدری حلقه وصل اقوام و مذاهب بودند. ایشان از تریبون نماز جمعه برای تقویت اتحاد میان اهل تسنن و تشیع بهره جستند. این‌جانب درگذشت امام جمعه فقید بانه را به خانواده‌ایشان، مردم بانه و هم‌وطنان کرد تسلیت عرض می‌کنم.» آیت‌الله سیدهمحمد حسینی‌شاهرودی، نماینده ولی فقیه در استان کردستان نیز در پیامی ضایعه درگذشت ماموستا عبدالله حیدری را به مردم بانه و کردستان و خانواده آن عالم فقید تسلیت گفت.

ماموستا حیدری از مردادماه سال ۹۳ امام جمعه بانه بود که عصر جمعه گذشته پس از دو هفته بستری‌بودن در بیمارستان رازی بانه بر اثر بیماری سرطان ریه درگذشت.

آغاز ماراتن ۳ ماه انتخابات

● شرق: وزیر‌کشور، امروز دستور شروع رسمی فرایند یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی را صادر می‌کند. براساس جدول زمان‌بندی از امروز، دهم آذر، ثبت‌نام از داوطلبان آغاز و ۱۶ آذر ادامه خواهد داشت. بررسی سوابق داوطلبان در مراجع چهارگانه نیز از امروز تا ۲۱ آذر انجام خواهد شد. بررسی صلاحیت داوطلبان در هیئت‌های اجرایی نیز از ۱۷ آذر تا ۲۶ آذر ادامه خواهد داشت و در ۲۷ آذر مراتب رد صلاحیت به داوطلبان توسط فرماندار مرکز حوزه انتخابی ابلاغ می‌شود. از ۲۸ آذر تا اول دی نیز داوطلبان ردصلاحیت می‌توانند شکایت خود را به هیئت نظارت استان اعلام کنند.از دوم دی تا ۲۱ دی نیز رسیدگی به شکایات داوطلبان ردصلاحیت‌شده از سوی هیئت نظارت استان و اظهارنظر درباره صلاحیت همه داوطلبان پس از کسب نظر هیئت مرکزی نظارت انجام می‌شود و فرماندار مربوطه آن را اعلام می‌کند.همچنین بر محل تعیین‌شده از سوی فرماندار تهران، برای ثبت‌نام به وزارت کشور نیز مراجعه کنند. آن دسته از داوطلبانی که قصد ثبت‌نام در سایر حوزه‌های انتخابیه را دارند نیز می‌توانند علاوه بر حضور در فرمانداری شهرستان حوزه انتخابیه خود، در وزارت کشور حضور یابند و مراحل ثبت‌نام را طی کنند.

ادامه در صفحه ۱۵